

واکاوی زمان ولوج روح در جنین با تأکید بر آیات قرآن کریم

* احمد رضوانی مفره

** انسیه نوراحمدی

چکیده

از منظر فقه امامیه، حکم تکلیفی سقط جنین، در دو فرض قبل و بعد از ولوج روح، حرمت بوده و مجازات ساقط‌کننده جنین، بر طبق قوانین اسلامی، پرداخت دیه است. بروز عناوین ثانویه در مواردی خاص، استثنایی بر حکم حرمت قبل از ولوج روح بوده و فقها در صورت بروز این عناوین، قائل به جواز سقط می‌باشند؛ لذا تشخیص زمان ولوج روح به عنوان مرز تعیین‌کننده حرمت و جواز، از اهمیت وافری برخوردار است. مقاله حاضر، با روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای، اعم از حقیقی و سایبری، مفهوم حق حیات را با توجه به آیات قرآن مورد مذاقه قرار داده و آنگاه با استفاده از احادیث تفسیری مرتبط با آیات قرآن کریم و تحلیل واژه جنین در آنها، زمان ولوج روح را بررسی کرده است. بررسی‌های صورت‌گرفته بیانگر آن است که بر اساس آیات قرآن کریم، نفح روح به عنوان مرحله‌ای از سیر تکوینی انسان، پیوندی مبارک میان روح و جسم وی برقرار می‌کند که می‌توان گفت همین اشاره آیات، گویای آن است که باید میان روح حیوانی و روح انسانی، تفکیک قائل شد و برای درک ولوج روح انسانی با مراجعه به عرف، معنای عرفی حیات و زنده شدن جنین را برداشت کرد؛ لذا نباید در صورت شک و عدم حصول اطمینان به تحقق پدیده ولوج روح، بر مبنای قاعده احتیاط دردم، در موارد مشکوک، حکم به عدم جواز سقط داد.

واژگان کلیدی: خلقت انسان، دیه، مرگ مغزی، نفح روح، ولوج روح.

* استادیار گروه الهیات دانشگاه بوعالی سینا، همدان، ایران، (نویسنده مسئول): rezvanimofrad@yahoo.com

* طلب سطح سه رشته فقه و اصول جامعه الزهرا(س) و دانش آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه بوعالی سینا، همدان، ایران: enourahmadi@yahoo.com

مقدمه

حکم تکلیفی مرتبط با مسئله سقط جنین در دو فرض قبل و بعد از ولوج روح در موارد خاص، با دیگر موارد متفاوت است و فقهها با بروز عناوین ثانویه، موارد خاصی را قبل از ولوج روح، از حکم حرمت استثنای کرده‌اند (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۴۳۷)؛ لذا قبل از بیان احکام در دو فرض مذکور، باید به عنوان مرز تعیین‌کننده حکم حرمت و جواز، پدیده ولوج روح در جنین تبیین گردد.

در بررسی پیشینه تحقیق شایان ذکر است که اگرچه اندیشمندان زیادی در زمینه ولوج روح مقالات متعددی نوشته‌اند، اما در نوشته‌های موجود، تجمیع تمامی روایات ناظر بر آیات سوره مؤمنون مشاهده نگردید و هرکدام از نویسندگان، از یک جنبه به بررسی مسئله پرداخته‌اند؛ به عنوان نمونه، بجستانی در مقاله «تأملاتی فقهی در سن ولوج روح در جنین با تأکید بر آیات قرآن»، انتشاریافته در مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی سال ۱۳۹۸ به شیوه تحلیلی و توصیفی ضمن بررسی ادلہ همه اقوال، نظریه شیخ مفید مبنی بر ولوج روح در شش ماهگی را قوی دانسته و با استناد به نکات تفسیری آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مؤمنون درباره مراحل خلقت، رأی شیخ را اقرب به واقع عنوان کرده است (نویسندگان: فریده تاجفر، مریم آقائی بجستانی، محمد روحانی مقدم، دوره ۱۲، شماره ۴، اسفند ۱۳۹۸ صفحه ۴۹-۶۲). ساریخانی در مقاله «بررسی تطبیقی زمان ولوج روح در اسلام و سایر ادیان»، انتشاریافته در مجله پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، بهار سال ۱۳۹۹، به بررسی نظرات موجود در سایر ادیان از جمله آیین یهودیت پرداخته و سپس با بیان آیات قرآن کریم و روایات معصومان علیهم السلام زمان ولوج روح در جنین را پس از اتمام چهارماهگی می‌داند. همچنین مسجدسرایی در مقاله «واکاوی مبانی فقهی حکم سقط درمانی بعد از ولوج روح، با بیان مستندات فقهی»، حکم سقط درمانی بعد از ولوج روح را نقد و بررسی کرده است (نویسندگان: حمید مسجدسرایی، اعظم نظری، اکرم عبدالله پور، دوره ۱۴، شماره ۲۶، فروردین ۱۴۰۱، صفحه ۲۸۵-۳۲۲). بر این اساس، در بارداری‌های پرخطر، حفظ جان یا سلامت جسمانی مادر، واجب و مقدم بر حفظ جنین بوده و اقدام به این نوع درمان بعد از ولوج

روح، جایز و بلکه واجب است. بنابراین، این سؤال پیش می‌آید که با توجه به مشروط بودن جواز سقط جنین به قبل از ولوج روح، آیا این زمان، در قرآن و احادیث تفسیری، بیان و معین گردیده و یا تشخیص آن با پژوهش است؟

برای دریافت پاسخ، لازم است به کتب تفسیری و حدیثی فقهای متقدم، تمسک جسته و با واکاوی مفهوم حیات و حق به شمار آمدن آن در قرآن و با توجه به متون حدیثی و تفسیری، زمان ولوج روح در جنین را مورد مذاقه قرار دهیم. ازانجاکه محل بحث ما مسئله سقط جنین است، بررسی روایی مطلب را به روایات دال بر وجوه دیه در صورت سقط جنین متمرکز کرده‌ایم.

۱. مراحل تشکیل جنین از منظر پژوهشی

پژوهشکان، جنین را موجودی می‌دانندکه پس از لقاح تخمک به وسیله اسپرماتو佐ئید و پس از تقسیمات اولیه سلول تخم، شکل می‌گیرد و پس از آن، دوران رشد خود را در داخل رحم مادر می‌گذراند. شکل گیری جنین می‌تواند از دو طریق طبیعی (مقاربت زن و مرد) و مصنوعی (به شکل آزمایشگاهی و از طریق لقاح مصنوعی) صورت گیرد. در رشتہ جنین‌شناسی دانش پژوهشکی، مراحل شکل‌گیری ساختمان جسمی جنین از هنگام لقاح تا تولد، به دقت مورد بررسی قرار می‌گیرد و براین اساس، تشکیل بافت جسمانی جنین از تخمک بارور شده، از نخستین لحظه حیات، رو به تکامل است و تا زمان تولد، به مدت نه ماه در رحم مادر، مراحل مختلف رشد را پشت سر می‌گذارد. در این میان، به ختم حاملگی در طول این بازه زمانی، سقط جنین اطلاق می‌شود که احتمال آن در هفته‌های آغازین بارداری بیشتر است؛ تا جایی که تخمین زده شده است ۵۰٪ تمام بارداری‌ها، در مراحل ابتدایی حاملگی، یعنی دو تا سه هفته پس از لقاح و قبل از اینکه زن از بارداری خود مطلع شود، منجر به سقط خود به خودی می‌شوند (سالدر، ۱۳۶۷، ص ۴۱). هفته سوم تا هشتم را اصطلاحاً دوره روانی یا «امبریونیک» یا اندام‌زنی می‌گویند. در این مرحله، تشکیل بافت‌ها و اندام‌های روان به وقوع می‌پیوندد و در انتهای این دوره، سیستم ارگان‌های اصلی برپا می‌شود و شکل خارجی جنین، قابل تشخیص است (پریور، ۱۳۷۸، ص ۲۵). در هفته چهارم تکامل، قلب روان شروع به تپیدن می‌کند و تا هفته هشتم، اندام‌ها و دستگاه‌های مهم بدن انسان تشکیل می‌شود.

در ماه پنجم، تمامی اندام‌ها تشکیل شده و حتی ابروها و موی سر نیز قابل مشاهده است. در طی این ماه، معمولاً حرکات جنین توسط مادر به خوبی قابل درک است (سالدر، ۱۳۶۷، ص ۶۸، ۹۵ و ۹۵). در سومین ماه شکل‌گیری جنین، اندام تناسلی آن نیز مشخص می‌شود و می‌توان جنسیت جنین را دریافت (گودرزی، ۱۳۷۷، ص ۲۲). از هفته نهم تا انتهای دوره زندگی داخل رحم را دوره جنینی یا فتال (Fetal) می‌گویند (پریور، ۱۳۷۸، ص ۲۵) که در این دوره، اندام‌ها و بافت‌ها می‌رسند و ارگان‌های تشکیل شده، رشد می‌کنند.

درباره مراحل مختلف رشد جنین و آغاز حیات آن، از منظر جنین‌شناسی، تقسیمات متعددی ارائه شده است. برخی، حیات جنین را از زمان لقاح نطفه در رحم می‌دانند و از نظر برخی دیگر، حیات دو قسم دارد: یک حیات سلولی موجود در نطفه و دوم حیات بافتی، که در هنگام تقسیم شدن سلول‌ها در جدار رحم و تداوم تقسیم آن به وجود می‌آید و از هفته دوازدهم دوران بارداری آغاز می‌شود. از منظر گروهی دیگر، آغاز حیات، نه از زمان در رحم قرار گرفتن نطفه، بلکه از زمانی که اسپرماتوزوئید با تخمک، ترکیب می‌شود و به دیواره رحم می‌چسبد آغاز می‌گردد (محسنی قندھاری، ۱۴۲۴ق، ص ۲۸-۳۶)، اما در هیچ‌کدام از این تقسیمات، مسئله ولوج روح مطرح نشده و لذا می‌توان چنین استنباط کرد که تعلق روح به بدن به عنوان پدیده‌ای غیرمادی، از حوزه پژوهش این دانش، خارج است و همین موضوع، سبب گردیده که در علم پزشکی، بدون تفکیک میان انواع حیات، جنین را از همان آغاز انعقاد نطفه و عمل لقاح، موجودی زنده و دارای حیات به شمار آورد (مجموعه مقالات حقوق پزشکی، ج ۴، ص ۲۳۵).

در کنار تقسیمات یادشده، قرآن کریم به عنوان یک منبع کامل علم الهی، مراحلی را برای حیات جنین در نظر گرفته که در ضمن آن، به مسئله ولوج روح اشاره کرده است. این مراحل، به قرینه آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مؤمنون، شامل مرحله نطفه، مرحله علقة، مرحله مضغه، مرحله عظام (اسکلت‌بندی)، مرحله لحم (رویش بافت) و مرحله دمیده شدن روح است که متخصص جنین‌شناسی، «کیت مور» این تقسیم‌بندی را نسبت به تقسیم‌بندی هفت‌های حیات جنین دقیق‌تر دانسته است (به نقل از: نورمحمدی، ۱۳۸۸، ص ۱۲). وی در کتاب خود، ملاک تقسیم‌بندی مراحل رشد جنین را بر اساس قرآن قرار داده است؛ زیرا کلام الهی، از اصلی واضح و آشکار در تکامل جنین سخن

می‌گوید. در آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مبارکه مؤمنون در قرآن کریم، مراحل به زبانی ساده مورد اشاره قرار گرفته است: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ طِينٍ﴾ (۱۲) ثُمَّ جَعَلْنَا نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ (۱۳) ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ حَمَّامًا ثُمَّ أَشْأَنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (۱۴)﴾ که همین امر موجب گردیده تا مشهور فقهای امامیه، برای حیات، سه حالت در نظر گیرند: زندگی گیاهی، زندگی حیوانی و زندگی انسانی؛ به این صورت که حیات جنین تا هنگامی که حس و حرکت ارادی نداشته؛ حیات گیاهی، پس از نمودار شدن حس و حرکت در آن حیات حیوانی و پس از دمیده شدن روح، حیات انسانی است و پس از آن، انسان در مراحل زندگی خویش به انواع دیگری از زندگی دست می‌یابد که از نوع دیگری غیر از این سه نوع است (محسنی قندھاری، ۱۴۲۴ق، ۳۶). لذا مسئله ولوج روح، در تشخیص زمان آغاز حیات انسانی، اهمیت ویژه‌ای دارد (امامی، ۱۳۸۵، ص ۴۸). برخی از پژوهشگران، کوشش‌های قابل توجهی برای تطبیق مراحل رشد جنین در قرآن کریم با دستاوردهای جدید دانش جنین‌شناسی انجام داده و به نتایج ارزشمندی در راستای کشف معجزات علمی قرآن کریم دست یافته‌اند (اسکندرلو وزیدی، ۱۳۹۵، ص ۷۵-۹۰؛ آل رسول و طاهری زاده، ۱۳۸۹، ص ۲۲-۹؛ جهانیان و فرهودی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۳-۱۷۰؛ کامکار و رضوی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۹-۱۵۹).

۲. خلقت انسان در قرآن کریم

در قرآن کریم، درباره اصل خلقت انسان، مجموعاً شانزده تعبیر به کار رفته است که عبارتند از: ﴿مَاء﴾ (نور: ۴۵)، ﴿مَاءٌ مَهِينٌ﴾ (سجده: ۸ و مرسلات: ۲۰)، ﴿مَاءٌ دَافِقٌ﴾ (طارق: ۶)، ﴿ثَرَاب﴾ (کهف: ۳۷)، ﴿طِين﴾ (سجده: ۷)، ﴿طِينٌ لَّازِبٌ﴾ (صفات: ۱)، ﴿سُلَالَةٍ مِّنْ طِينٍ﴾ (مؤمنون: ۱۲)، ﴿صَلْصَالٌ كَالْفَخَارِ﴾ (الرحمن: ۱۴)، ﴿صَلْصَالٌ مِّنْ حَمِّا مَسْنُونٌ﴾ (حجر: ۲۶، ۲۸ و ۳۳)، ﴿نُطْفَه﴾ (نحل: ۴؛ حج: ۵ و فاطر: ۱۱)، ﴿مَنِي يَمْنَى﴾ (قیامت: ۳۷)، ﴿نُطْفَةٌ أَمْشَاجٌ﴾ (انسان: ۲)، ﴿عَلْق﴾ (علق: ۲)، ﴿عَجَل﴾ (انبیا: ۳۷)، ﴿ضَعْف﴾ (روم: ۵۴) و ﴿نَفْسٌ وَاحِدَةٌ﴾ (انعام: ۹۸) به معنی: «آب، آب پست، آب جهنده، خاک، گل، گل چسبنده، چکیده از گل، گل خشک همچون سفال، گل خشک از لجن بدبو، نطفه، منی ریخته شده، نطفه مختلط و درهم، خون بسته شده یا کرم، شتاب، سُستی و نفس واحد».

بر اساس آیات قرآن، مبدأ آفرینش، خاک آغشته و مخلوط به آب است که گل نام دارد. گل، آن چیزی است که گیاه از آن حاصل می‌شود، همان گیاهی که غذای همه حیوانات است، و نطفه از آن غذا به وجود می‌آید. پس مبدأ اصلی برای به وجود آمدن انسان، همان خاک تبدیل شده به صورت گل است؛ اما ابتدای آفرینش انسان به این دنیا و جریان به وجود آمدنش، همان نطفه حاصل شده از مرد و زن است. نطفه از آن جهت به منی تعبیر می‌شود که مظہری برای شهوت و میل نفسانی است که به اعتبار جاری شدن آن به هنگام ازدواج، عنوان نطفه را به خود اختصاص داده است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۲، ص ۱۶۰).

قرآن کریم با کاربرد یازده بار کلمه «نطفه» و یک بار کلمه «النطفه»، که تمام موارد آن درباره آفرینش انسان است، این مطلب را متذکر می‌شود که انسان از نطفه آفریده شده و این مرحله نخستین از مراحل آفرینش است.

﴿أَيْحُسْبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يَثْرَكَ سُدًّيًّا﴾ (آل مکمل نطفه می‌مینی ۳۷) (قیامت: ۳۶-۳۷)؛ آیا انسان گمان دارد که بیهوده رها می‌شود، مگر آب کمی از منی نبود که ریخته می‌شد» (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۶۱).

﴿إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشاجٍ﴾ (انسان: ۲)؛ منظور از نطفه به معنای جاری بودن، در اینجا، منی زن و مرد است که به صورت مركب، نطفه را به وجود می‌آورند. بنابراین، انسان از سلولی مركب از اسپرم از جانب مرد و اوول از جانب زن به وجود می‌آید (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۱، ص ۱۱۵-۱۱۶). ابوالفتوح رازی معتقد است که: «آدمی را از این آبی که آن را نطفه خواند، و آن آبی است که از میان پشت و استخوان‌های سینه بیرون آید، خلق نموده است» (رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۱۰-۱۱). طبرسی در ذیل آیه ۵ سوره حج فرموده: «نطفه به معنی آب کم است از مذکر و مؤنث و هر آب صاف رانطفه گویند» و در ذیل آیه ۲ سوره انسان فرموده: «اصل نطفه به معنی آب کم است، گاهی به آب زیاد نیز گفته شود» (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۴۰۸). در تفسیر المیزان چنین بیان گردیده است: «نطفه در اصل به معنای آب اندک، ولی در استعمال به معنای آب حیوان نری که از آن، هم‌جنس آن تولید می‌شود، غلبه پیدا نموده است و امساج به معنای مختلط و ممتزج بوده و نطفه را یا به اعتبار اجزای مختلفش، و یا به اعتبار اختلاط آب نرماده، به این وصف توصیف گردیده

است، و ابتلاء نقل چیزی است از حالی به حالی و از طوری به طوری؛ لذا مراد از ابتلای انسان در خلقتش از نطفه، همان است که در چندین جا خداوند در کلامش از آن سخن به میان آورده است که نطفه را آفرید و سپس آن را به عَلَقَه تبدیل نمود، و علقه را مُضْغَه کرد تا آخرین اطواری که بر آن جاری می شود؛ تا برسد به آنجاکه آن را خلقتی دیگر و آفرینشی جداگانه بنماید» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۱۲۱).

در برخی آیات قرآن، علاوه بر مبدأ آفرینش انسان، چند مرحله از سیر شکل‌گیری انسان نیز بیان شده است، مانند خاک سپس نطفه (کهف: ۳۷ و فاطر: ۱۱)؛ خاک سپس نطفه و سپس علقه (غافر: ۶۷)؛ نطفه سپس علقه (قيامت: ۳۹-۳۷) و خاک سپس نطفه سپس علقه سپس مضغه تمام در خلقت و مضغه ناتمام در خلقت (حج: ۴).

خداوند در آیات ۶ تا ۸ سوره سجده روشن می سازد که آفرینش از گل، مربوط به خلقت اولین انسان و آفرینش از نطفه و مراحل پس از آن، مرتبط با خلقت تک تک انسان‌ها و نسل انسان نخستین است. در مجموع این آیات، پس از نطفه، به مرحله تمامیت در خلقت و دمیده شدن روح و آفرینش شناوی و بینایی و قلب تصریح شده است (سجده: ۶-۸).

در آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مؤمنون، علاوه بر مبدأ آفرینش اولین انسان از عصاره‌ای از گل، شش مرحله دیگر از آفرینش انسان‌ها بیان شده است. طبق این آیات، مراحل آفرینش عبارتند از: نطفه: منظور در اینجا، منی زن و مرد است که به صورت مرکب، نطفه را به وجود می‌آورند. به عبارت دیگر انسان، از سلولی مرکب از اسپرم از جانب مرد و اوول از جانب زن به وجود می‌آید (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۱، ص ۱۱۵-۱۱۶).

علقه: خونی که از نطفه ایجاد شده است.

مضغه: قطعه گوشتی که پس از علقه به وجود می‌آید.

ظام: حالتی از جنین که استخوان‌هایی به شکل غضروف در آن ایجاد شده و هنوز گوشت بر روی آن نرویده است.

لحم: در این مرحله، اطراف استخوان، با گوشت پوشیده شده و آخرین مرحله تکامل است، به نحوی که از نظر فیزیکی، جنین کامل می‌شود، ولی هنوز روح در آن دمیده نشده است.

۳. ولوچ روح در قرآن کریم

در متون فقهی و در مقام بیان حکم وضعی و تکلیفی سقط جنین، مرحله «دمیده شدن روح» در جنین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از یک سو، از نظر غالب فقها، ادله‌ای که سقط جنین قبل از ولوچ روح را تجویز می‌کند، قابل انطباق بر شرایط پس از ولوچ نیست و از سوی دیگر، برخی احکام وضعی مترتب بر سقط جنین، قبل و بعد از ولوچ روح، متفاوت است. به عنوان مثال، با ملاحظه روایات دیه جنین (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۴۳)، به وضوح می‌توان دریافت که موضوع حکم دیه کامل برای جنین، ولوچ روح است. از این رو، تعیین زمان دقیق ولوچ، ضرورت می‌یابد. واژه ولوچ یا ولوچ روح، مستقیماً در قرآن مجید ذکر نشده است؛ بلکه این مفهوم، از عبارات قرآنی «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ» (مؤمنون: ۱۴) و «ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوْحِهِ» (سجده: ۹) استفاده می‌شود. واژه «روح» نیز در کلام الهی به صور گوناگونی استعمال شده است (بقره: ۸۷؛ نحل: ۱۵؛ مجادله: ۲۲؛ نساء: ۱۷۱؛ شوری: ۵۲؛ مریم: ۱۷؛ معارج: ۴ و اسراء: ۸۵).

معنای متبادل از واژه «روح»، موجودی است که مبدأ حیات است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۱۹۵ و راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۶۹) و این معنا در تمامی موارد استعمال روح در قرآن دیده می‌شود. در مورد معنای دقیق نفخه روح در تفاسیر مختلف قرآنی، معانی متفاوتی بیان شده است؛ در حالی که در نصوص قرآنی، معنای روشنی از آن ارائه نشده است که آیه ۸۵ سوره مبارکه

جنین کامل؛ که ولوچ روح در آن صورت گرفته و حکم انسان کامل را دارد (شهید اول، ۱۳۸۴، ص ۳۲۱-۳۲۲).

برخی محققان، کوشش‌های قابل توجهی برای تطبیق مراحل رشد جنین در قرآن کریم با دستاوردهای جدید دانش جنین‌شناسی داشته و به نتایج ارزنده‌ای در راستای کشف معجزات علمی قرآن کریم دست یافته‌اند (اسکندرلو وزیدی، ۱۳۹۵، ص ۷۵-۹۰؛ آل رسول و طاهری زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۳۹-۱۵۹؛ جهانیان و فرهودی، ص ۱۶۳-۱۷۰؛ کامکار و رضوی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۹-۲۲). آنچه در ادامه به آن می‌پردازیم، مسئله نفح روح در جنین است که در پنج آیه از قرآن کریم به صراحة سخن از آن به میان آمده است.

اسراء نیز به این عدم تعریف اشعار دارد. مطابق آیه مذکور، از رسول خدا ﷺ درباره روح پرسش شد که آیه شریفه ﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّيِّ وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا﴾؛ «از تو درباره روح می‌پرسند، بگو روح به امر پروردگار من است. و ما شما را جز اندکی از علم ندادیم» نازل گردید. با نظر به آیه مبارکه مذکور، بدیهی دانسته می‌شود که عدم آگاهی از جوهر و ماهیت روح، با اعتراف به وجود آن منافاتی ندارد؛ زیرا روح از این منظر، همچون خالق است که به رغم یقین به هستی او، کمترین راهی به ذات او نیست: ﴿قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّيِّ﴾.

مستفاد از کلام برخی مفسران و فقهاء، حقیقت روح، پدیده‌ای «غیرمادی» است که در عین حال ممکن است به دلیل ارتباط وثیق آن با بدن، منشأ تحولاتی در جسم شود و از آن طریق بتوان زمان حدوث آن را تشخیص داد (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۴، ص ۲۵۹)، به عنوان مثال، در مقام تفسیر آیه «ثم أَنْشَأَنَا هَذِهِ الْحَلْقَةَ آخِرًا» چنین بیان شده است که «خداوند متعال در این عبارت، سیاق را از خلقت قرار نداده، بلکه به انشاء تعبیر کرده است تا بر این دلالت نماید که آنچه در آخر به وجود می‌آید، حقیقت دیگری است غیر از آنچه در مراحل قبلی بود. از سیاق آیات، روشن است که صدر آیات، آفرینش تدریجی مادی انسان را توصیف می‌کند و در ذیل، که به پیدایش روح یا شعور و اراده اشاره دارد، آفرینش دیگری را بیان می‌دارد که با نوع آفرینش قبلی مغایر است. این اختلاف تعبیر، خود شاهد بر این است که خلق آخر از سنخ دیگری است که نمی‌تواند مادی باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۲۱).

بر اساس متون اسلامی و یافته‌های جدید علمی، جنین در تمام مراحل تکامل خود، دارای حیات است و به کاربردن تعبیر «ولوج روح»، این شبهه را ایجاد می‌کند که جنین تا آن زمان قادر حیات است، از این‌رو، به منظور پیشگیری از هرگونه سوءتفاهم، پیشنهادهایی از جمله استعمال عنوان «ولوج روح العقل»، به جای کاربرد عبارت «ولوج روح» مطرح شده است (حسینی، ۱۳۸۷، ۲۳۱)؛ با این استدلال که عدم استفاده از عنوان «روح العقل» ممکن است این برداشت را ایجاد کند که برای نخستین بار، روح در جنین به وجود می‌آید؛ درحالی که روان در تمام مراحل جنینی وجود دارد و چنان‌که امام سجاد علیه السلام می‌فرمایند: «در صورتی که جنین، قادر روح بود، از حالی به حال دیگر تحول نمی‌یافت» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۸۲).

در برخی روایات نیز روح حیوانی از روح انسانی در انسان‌ها متمایز دانسته شده که این تمایز، مطابق با دیدگاه بسیاری از متکلمان و فیلسوفان است. به عنوان نمونه، در روایتی از امام کاظم علیه السلام وارد شده است که روح حیوانی هر انسانی هنگام خواب در بدن وی می‌ماند، اما روح العقل (روح انسانی) از او جدا می‌شود و تنها هنگام مرگ است که روح حیوانی از بدن انسان خارج می‌شود (بحرانی آل عصفور، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۲۶۴).

بعضی از اندیشمندان اسلامی و پژوهشگان قدیم، روح را در علم طب، نوعی جسم لطیف بخاری می‌دانستند که حامل قوای انسانی است؛ یعنی فعالیت بدن وابسته به آن است، اما روح در اصطلاح فلسفی، همان نفس ناطقه توصیف شده که غیرمادی است (حسن زاده آملی، ۱۳۷۳، ص ۵۲). نفس ناطقه انسانی، عبارت از حقیقت واحدی است که مظاهر و آینه وجود حق و محل تجلی اسم جامع الهی است (خوارزمی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۶۰۲). این تفسیر، با این مطلب منافاتی ندارد که منظور از آن، همان روح باشد؛ زیرا نفس ناطقه انسانی، همان روح الهی است که در وی دمیده شد و به همین حقیقت، قوه ادراکی انسان، قوی‌تر از دیگر موجودات است.

همان گونه که بیان شد، در پنج آیه از آیات قرآن کریم به مسئله نفح روح پرداخته شده که دو مورد درباره حضرت آدم علیه السلام (حجر: ۲۹) و دو مورد درباره حضرت عیسی علیه السلام است (انبیاء: ۹۱ و تحریم: ۱۲). مورد پنجم اگرچه به نظر می‌رسد که آن هم درباره حضرت آدم علیه السلام باشد، ولی ظاهراً درباره مطلق انسان است (سجده: ۷-۹). در نهایت، در آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مؤمنون، پس از بیان مراحل مختلف آفرینش جنین، متذکر گردیده که پس از آن، در او آفرینشی متفاوت پدید می‌آوریم. با بهره‌گیری از آیات مربوط به خلقت انسان و نیز روایات وارد شده درباره آیه فوق، روشن می‌شود که مقصود خداوند از آفرینشی متفاوت در این آیه، همان نفح و لوج روح در جنین انسان است.

در سه آیه از این آیات، مرحله نفح روح، بعد از مرحله تمامیت خلقت (تسویه) قرارداده شده است (سجده: ۸). پس قرآن‌کریم، میان تسویه به معنای تمامیت خلقت جسمانی با نفح روح، فرق نهاده است. همچنین از دلالت ضمنی مفهوم نفح (دمیدن) و به ویژه آیه ۱۴ سوره مؤمنون، که از مرحله نفح روح، به خلق آخر یاد کرده، ظاهر می‌شود که این مرحله از تکمیل انسان، اگر نگوییم غیرمادی است، لااقل هم سنخ دیگر مراحل خلقت مادی و جسمانی انسان نیست و مرتبه‌ای برتر

است که سبب حیات انسانی برای آن می‌گردد (مصباح یزدی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۵۶). بنابراین، از دیدگاه قرآن، روح و نحوه تعلق (نفح و یا ولوچ) آن به بدن، پدیده‌ای غیرمادی و یا لاقل متفاوت با سایر پدیده‌های جسمانی و مادی است. این سخن ضرورتاً به معنای نفی تأثیر و ارتباط این پدیده (ولوچ روح) یا تقارن آن با برخی آثار مادی و جسمانی در جنین انسان نیست. به عبارت دیگر این احتمال وجود دارد که هرچند روح و ولوچ آن در بدن از سخن سایر پدیده‌های جسمانی نیست، ولی ممکن است به جهت ارتباط وثيق روح با بدن، منشاء تحولاتی در جسم شود که از آن طریق بتوان زمان حدوث آن را تشخیص داد.

توجه به این نکته لازم است که از موارد استعمال واژه روح در قرآن به دست می‌آید که قرآن کریم، این کلمه را بروزندگی نباتی اطلاق نکرده و در این‌گونه موارد، از کلمه حیات بهره برده است (حدید: ۱۷ و ق: ۱۱). پس اگرچه جنین از اولین مراحل تکوینی که نطفه‌ای بیش نیست دارای حیات نباتی و آثار آن، یعنی رشد و تغذیه است، ولی تنها بعد از تمامیت خلقت جسمانی، صاحب روح می‌گردد.

۴. تبیین آغاز حیات آدمی با ولوچ روح

از نظر اسلام، وجود انسان با دو بعد روح و جسم، از نطفه شکل می‌گیرد. آنچه از آیات ۲۹ سوره حجر و ۷۲ سوره ص قابل استنباط است اینکه در آدمی، جز بدن، چیز بسیار شریفی که مخلوق خداست - نه جزئی از خدا - وجود دارد و تا آن چیز شریف در انسان به وجود نیاید، جنین، انسان نمی‌گردد (مصباح یزدی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۰۵). بنابراین خلقت انسان از خاک بوده، ولی در اصل، بعد از نطفه آفریده شده است (سجده: ۸ و مونون: ۱۴). در کنار رشد جسمانی، با دمیده شدن روح در جنین، تحولی دیگر آغاز می‌شود (شهریاری، ۱۳۸۶، ص ۳۸۵-۳۹۵).

همان گونه که اشاره شد فقهاء در تعیین معیار زمانی برای مراحل رشد جنین قبل از ولوچ روح اختلاف دارند. از نظر برخی، در شرع، تحدید زمانی برای مراحل رشد جنین قرار داده نشده و ملاک، تحقق عناوین هر مرحله در خارج است (حکیم طباطبائی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۸۷). برخی مانند شیخ مفید و ابن براج، با محاسبه چهل روز برای هریک از مراحل نطفه، علقة، مضخه

و عظام و بیست روز برای لحم، به ۱۸۰ روز که زمان شش ماهگی است می‌رسند و این هنگام را زمان ولوح روح می‌دانند (شیخ مفید، ص ۱۴۱۰ق، ۵۳۹؛ ابن براج طرابلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۳۴۰؛ حلی‌الهذلی، ۱۴۰۵ق، ص ۶۰۲). ابن ادریس برای هر مرحله، بیست روز تأیید کرده که براین اساس، ۱۲۰ روز نیز زمان ولوح روح است (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۴۱۶). آیت‌الله خویی به استناد روایات مراد موثق حسن بن جهم و دو صحیحه زراره، برای هریک از مراحل رشد نطفه، علقه و مضغه، چهل روز قرار داده که پایان چهار ماهگی است و این قول را کسانی همچون علامه مجلسی، به مشهور فقهاء نسبت داده و می‌افزاید که بیشتر اخبار بر آن دلالت دارند (وحید خراسانی، ۱۴۲۸ق، ج ۳، ص ۴۰۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، جلد ۵۸، ص ۱۹). در حالی که مشهور فقیهان، مراحل رشد جنین را تحدید زمانی نکرده‌اند، جمعی از فقیهان معاصر همین فتوا را برگزیده‌اند (حکیم طباطبایی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۸۷؛ موسوی سبزواری، ۱۴۱۷ق، ج ۲۹، ص ۳۱۱؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸ق، ج ۳، ص ۴۰۶؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۶، ص ۳۵۳؛ تبریزی، ۱۴۲۷ق، ج ۵، ص ۸۳؛ محسنی قندھاری، ج ۱، ص ۲۵). شیخ انصاری پس از نقل اظهار نظرهای پزشکان و زنان در مورد ولوح روح قبل چهار ماهگی براین نکته تأکید می‌نماید که چون مستند قول چهار ماهگی، روایات و احادیث نبوی است، لذا با اظهار نظر پزشکان، خللی به این قول وارد نمی‌آید؛ هرچند از پزشکان نقل شده که ولوح روح در پایان دو ماهگی ممکن است وزنان نیز به تجربه یافته‌اند که حرکت جنین در سه ماهگی آغاز می‌شود (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۴۲۱-۴۲۲؛ اصفهانی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۷۴؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۱۱۲ و ۱۹۵؛ تقوی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۴۷). از جمله مستنداتی که می‌توان به عنوان مؤید این قول بیان کرد، مجموعه روایاتی است که وجوب غسل میت را برای جنین مرده بعد از چهار ماهگی و یا تمامیت خلقت بیان کرده است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۱۰؛ جمع من المحققین فی اللجنہ الفقهیہ، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۲۸۲؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۰۱). از نظر بعضی فقهاء، از جمله نویسنده کتاب فقه الرضا، شیخ صدوق، علامه حلی، شهید اول، محقق کرکی، شیخ بهایی و صاحب حدائق، زمان تمامیت خلقت جنین، چهار ماهگی است (المنسوب للإمام الرضا علیہ السلام، ۱۴۰۶ق، ص ۱۷۵؛ حلی، ۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۱۷۶-۱۷۷؛ الشهید الاول، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۱۵؛ نراقی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۱۵؛ المحقق الثاني الكرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱،

ص ۴۰۶؛ شیخ بهایی، ۱۳۹۰ق، ص ۶۴؛ بحرانی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۴۰۸؛ قطیفی آل طوق، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۴۱۵؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۳۴۵؛ طباطبایی قمی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۶۴۵). فاضل هندی، تجربه را دلیل بر حلول حیات در چهار ماهگی قرار داده است (فاضل هندی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۲۰۴). به نظر محقق همدانی، برخی روایات، دلالت بر این دارد که ولوح روح در چهار ماهگی است، ولی تأکید می‌کند که این زمان برای ورود روح به طور غالب است و مورد مخالف آن نیز ممکن است واقع شود (همدانی، ۱۴۲۴ق، ج ۵، ص ۱۵۴). از فقهای معاصر نیز حضرات آیات: فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی و منتظری، چهار ماهگی را مظنه زمان ولوح می‌دانند (فاضل لنکرانی، بی‌تا، ص ۱۲۳؛ منتظری، ۱۴۲۷ق، ص ۱۰۷؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۹ق، ص ۹۴).

از منظر برخی دیگر از جمله صاحب مدارک و صاحب جواهر، چهار ماهگی ملازمه‌ای با ولوح روح نداشته، بلکه مظنه زمان ولوح است؛ به همین علت ممکن است ولوح روح اندکی قبل یا بعد از چهار ماهگی تحقق یابد (موسوی العاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۷۶؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۱۲). علامه مجلسی نیز میان ولوح روح و چهار ماهگی، هیچ تلازمی نمی‌داند (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۷۹، ص ۱۱). آنچه مستند سخن ایشان است این است که از منظر اطبا، نفح روح گاهی در چهل و سومین (از ۸۰ تا ۱۲۰) روز و گاهی بعد از آن به وقوع می‌پیوندد (مجلسی، ۱۴۱۱ق، ج ۲۱، ص ۲۳). شیخ حر عاملی بعضی اختلافات میان روایات در تکوین و زمان مراحل مختلف خلقت جنین را به اختلاف جنین‌های گوناگون با یکدیگر حمل کرده است (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۱۴۲). شاید بتوان دلیل این دانست که برای پدیده تکوینی ولوح روح، مثل سایر پدیده‌های تکوینی، همچون زمان دقیق تولد انسان و حتی رشد او نمی‌توان زمان خاص و دقیقی را معین کرد، زیرا زمان تحقق این گونه پدیده‌های تکوینی، بسته به اوضاع و شرایط جنین و مادر، همچون تغذیه، نژاد، زن، آب و هوا و امور دیگر، قابل تغییر است. لذا به عنوان جمع‌بندی می‌توان چنین نتیجه گرفت که پس از گذشت چهار ماه از زمان انعقاد نطفه و ایجاد جنین، اصل بر ولوح روح و حیات جنین است، مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. بر اساس وفور روایات در زمینه چهار ماهگی و تطبیق آن بر آیات قرآن می‌توان گفت ضرورت جعل اماره قانونی برای جنین که در شکم مادر پنهان است بر برخی از پدیده‌های تکوینی همچون رشد و...، که موضوع حکم شرعی هستند،

ترجیح داده شده و در راستای ارائه معیار عینی در حل مخاصمات برای سهولت در دادرسی، بر شارع لازم است تا برای اماره قانونی در مسئله سلب حیات جنین، که تحولات آن برای بشر به روشنی قابل شناسایی نیست، سن چهارماهگی را الحاظ نموده، از این رو در روایات متعدد برای مراحل رشد مانند نطفه، علقه و مضغه زمان دقیق تعیین کرده باشد. از طرف دیگر، چهارماهگی به استناد شواهد و قرائن تجربی و علمی، مظنه ولوج روح است؛ همان‌گونه که برخی پژوهشگران نیز با توجه به قرائن و شواهد دانش جنین‌شناسی، چهارماهگی را هنگام ولوج روح دانسته‌اند (جهانیان و فرهودی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۳-۱۷۰؛ کامکار و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۳۹-۱۵۹). بنابراین زمان چهارماهگی، بهترین زمان برای تعیین سنی به عنوان اماره قانونی برای ولوج روح در جنین است.

البته تأکید این مطلب لازم است که اگرچه ولوج روح در این زمان اتفاق می‌افتد، اما از نظر شارع مقدس، حتی از بین بردن اسپرم مرد بدون اذن وی جایز نیست ولذا به طریق اولی، از بین بردن جنین معلول که ترکیبی از اسپرم مرد با تخمک زن است، حتی در روزهای آغازینی که حیات آن شکل گرفته، جایز نیست و این مسئله برای شارع مقدس اهمیت داشته و مرتکب عمل، مشمول پرداخت دیه می‌گردد (نوراحمدی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۶۵-۶۹).

پس از قرار گرفتن نطفه در رحم زن و تبدیل شدن آن به جنین تا قبل از ولوج روح، در زمانی که جنین شرایط لازم برای رشد را دارد، روایات زیادی وجود دارد که در ادامه به تبیین حق حیات جنین و نحوه خلقت آدمی در روایات می‌پردازیم:

۵. ولوج روح در روایات

روح در روایات، استعمالات متفاوت بسیاری دارد (امامی، ۱۳۸۵، ص ۵۷-۶۰). در این میان، روایات فراوانی برای مراحل مختلف رشد جنین، دیه تعیین کرده که آخرین این مراحل، ولوج روح است. لسان این روایات در بیان احکام دیه سقط جنین، گاهی ناظر بر دو مرحله، گاهی چهار و گاهی پنج و شش مرحله است که به عنوان نمونه، به برخی روایات اشاره می‌کنیم:

مراحل خلقت جنین در روایات معتبر ظریف از امیرالمؤمنین علیه السلام و صحیحه سلیمان بن سالم از امام صادق علیه السلام و ضعیف یا صحیح ابن مسکان از امام صادق علیه السلام (برخی همچون محقق

اردیلی این روایت را صحیح می‌دانند: ۱۴۰۳ق، ج ۱۴، ص ۳۲۴؛ مجلسی، ج ۱۰، ص ۴۲۰) و مرفوعه شیخ مفید از امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و روایت ضعیف از امام صادق علیه السلام درباره دیه میت و روایت مرسل دعائیم الاسلام از امام باقر علیه السلام (طوسی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۰، ص ۲۸۵؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۹، ص ۳۱۲)، شش مرحله ذکر شده که در آن به ولوج روح و تمامیت انسان اشاره گردیده و برای هر مرحله، دیه‌ای خاص مقرر شده است. این روایات، با آیات ۱۲ تا ۱۶ سوره مؤمنون در تعیین شش مرحله برای رشد جنین هماهنگ هستند.

در روایت صحیح محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام و روایت ضعیفی از آن حضرت، چهار مرحله برای تعیین شده است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۳۴۴-۳۴۵؛ اشعری قمی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۵۷). فقیهان، عظام در این روایات راحمل بر مرحله ولوج روح کرده‌اند (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۱، ص ۴۲؛ موسوی سبزواری، ۱۴۱۷ق، ج ۲۹، ص ۳۱۰).

در روایت صحیح ابا شبیل از امام صادق علیه السلام، برای علقه ۴۰ دینار، مضغه ۶۰ دینار، عظم ۱۰۰ دینار و ولوج روح که در پنج ماهگی تعیین شده، دیه کامل قرارداده شده است (ابن بابویه قمی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۴۴؛ طوسی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۰، ص ۲۸۴؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۹، ص ۳۱۵).

در روایت ضعیف یا صحیح (علامه مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۰، ص ۴۱۹) سعید بن مسیب از امام زین العابدین علیه السلام میزان دیه برای نطفه، علقه و مضغه بیان گردیده و در ادامه، برای پس از آنکه روح در جنین دمیده شد، دیه کامل مقرر شده است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۳۴۷؛ طوسی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۰، ص ۲۸۲؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۹، ص ۳۱۶).

در روایت صحیح ابو جریر قمی از امام کاظم علیه السلام پس از بیان پنج مرحله برای خلقت آدمی و بیان مراحل و دیه مربوط به آنها، برای ولوج روح، دیه کامل ثابت دانسته شده است (طوسی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۰، ص ۲۸۲).

اما در برخی روایات، تنها دو مرحله بیان شده که به عنوان نمونه، در روایت صحیح ابو عبیده از امام باقر علیه السلام آمده: «اگر جنین دارای استخوان، گوشت، چشم و گوش بود (کنایه از تمامیت جسمانی و ولوج روح)، دیه کامل و اگر در حد علقه یا مضغه بود، ۴۰ دینار ثابت می‌باشد» (کلینی، ۱۳۶۵ق، ج ۷، ص ۳۴۴؛ طوسی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۰، ص ۲۸۷؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۹، ص ۳۱۸).

نتیجه‌گیری

از بررسی آیات و روایات موجود در بحث ولوچ روح می‌توان به این نتایج دست یافت:

۱. تعلق روح به بدن به عنوان پدیده‌ای غیرمادی، از حوزه پژوهش دانش پزشکی خارج است و همین موضوع، سبب گردیده که علم پزشکی، بدون تفکیک میان انواع حیات، جنین را از همان آغاز انعقاد نطفه و عمل لقاح، موجودی زنده و دارای حیات به شمار می‌آورد.
۲. قرآن کریم به عنوان یک منبع کامل علم الهی، مراحلی را برای حیات جنین در نظر گرفته که در ضمن آن به مسئله ولوچ روح اشاره کرده است. آنچه از قرآن و روایات تفسیری به دست می‌آید این است که روح و حیات انسانی، پدیده‌ای فوق طبیعی است، به‌نحوی که نفح و ولوچ آن در جسم، واقعیتی متفاوت با سایر مراحل رشد جسمی انسان محسوب می‌شود. ولوچ روح انسانی در دوران جنینی و قبل از تولد در زمانی بعد از تمامیت خلقت ظاهری بدن و شکل گرفتن اعضا و جوارح اوست.
۳. روایات دسته نخست، در تعیین مراحل مختلف رشد جنین، مقدم بر سایر روایات است؛ زیرا علاوه بر اینکه این روایات، کثیر، مورد وثوق و معتبرتر هستند، موافق مراحل شش‌گانه مذکور در آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مؤمنون است و تعارضی با دیگر روایات نداشته و تنها اختلاف آنها در اجمال و تفصیل است؛ از این روایات، مبنای فتوای بیشتر فقهیان و درنهایت، مبنای قانون‌گذار در ماده ۷۱۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ قرار گرفته است.
۴. در روایات، عباراتی همچون: «فَإِذَا أُنْشَئَ فِيهِ الرُّوحُ»؛ «قَبْلَ أَنْ تَلْجَهُ الرُّوحُ» و «فَإِذَا نَشَأَ فِيهِ خَلْقٌ آخَرُ وَ هُوَ الرُّوحُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۴۲-۳۴۳) و «إِذَا وَلَجَتْهَا الرُّوحُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۰، ص ۲۶۶) و «فَإِذَا أُنْشَئَ فِيهِ خَلْقٌ آخَرُ» (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۳۰۰) و «فَلَمْ يُنْفَخْ فِيهِ رُوحُ الْعَقْلِ فَإِنَّ عَلَيْهِ دِيَةً كَامِلَةً» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۴۷) و «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقاً آخَرَ وَ هَذَا هُوَ مَيِّتٌ بِمَنْزِلَتِهِ قَبْلَ أَنْ يُنْفَخَ فِيهِ الرُّوحُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۴۸)، ناظر بر ولوچ روح، خلق آخر، إنشاء روح و نفح روح، حاکی از اتمام خلقت پس از ولوچ روح در دوران جنینی است. لذا ولوچ روح قبل از تولد و در دوران وجود جنین در رحم، بعد از کامل شدن خلقت جسم مادی جدید و شکل گرفتن تمامی اعضا و جوارح واقع می‌شود. این حقیقت

همسو با آیات قرآن است که نفح روح را بعد از تسويه قرار داده است.

۵. در بيشتر روايات مربوط به جنين، بدون تعين زمانی خاص برای پدیده ولوچ روح، تنها به بيان توقف حکم ديه کامل در اين پدیده اكتفا شده و اين گوياي اين است که پدیده ولوچ روح از نظر عرفی و طبیعی برای مخاطبان، قابل تشخيص و شناسایی بوده و نمی توان آن را پدیده غیبی و ماوراء طبیعی دانست که فاقد آثار طبیعی است و زمان تحقق آن، غير قابل تشخيص است. پس با توجه به اينکه از آيات قرآن کريم و روايات فراوان از جمله برخی از روايات ديه جنين به دست آمد که نفح و ولوچ روح ذاتاً پدیده ای غیرمادي است، ضرورتاً به اين نتیجه می رسیم که اين پدیده غیرمادي، دارای آثار ظاهري و مادي بوده که قابل شناسایی برای عموم انسان ها است. بهترین تبیین برای چنين واقعیتی که ذاتاً غیرطبیعی و اثراً طبیعی است، با توجه به عدم تفکیک میان روح انسانی و روح حیوانی در روايات اينکه اين پدیده هم زمان با ولوچ روح حیوانی در جنين پدید می آید و در نتیجه، از طریق آثار حیات حیوانی همچون حرکت ارادی و دریافت پیام های حسی از طریق حواسی مانند شنوایی یا بینایی که از عوارض ذاتی حیات حیوانی (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۵۸، ص ۱۰۷؛ تفتازانی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۳۵؛ شیرازی، ۱۹۸۱م، ج ۲، ص ۴۴۱) هستند، قابل تشخيص خواهد بود.

۶. حیاتِ یک ارگانیزم انسانی، در هر مرحله ای که از مراحل تکوینی، دارای ارزش ذاتی است؛ هرچند که تکامل نیافته باشد؛ زیرا آغازی است برای انسان شدن (جواهری، ۱۳۸۵، ص ۸۶). بر اساس این نگرش، ملاک در حرمت اتلاف، قابلیت و شأنیت انسان شدن آن چیزی است که اگر شرایط برای تکاملش (رشد و نمو) فراهم شود، می تواند تبدیل به انسان شود. لذا موجود انسانی از همان لحظه ای که ایجاد شده، باید محترم دانسته شود و همه حقوق انسانی اش از جمله حق حیاتش رعایت گردد (نوراحمدی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۶۵-۶۹). همچنین از آنجاکه نطفه، منشأ تکون انسان به حساب می آید و بی مبالغه در حفظ آن جایز نیست، رعایت احتیاط و دوری کردن از موارد مشکوک العرمه در این مورد، لازم بوده و در موارد مشکوک باید به اصلاحه الاحتیاط در دم پاییند بود و از عملی که منجر به سلب حیات جنين می شود جلوگیری کرد (حسینی روحانی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۰).

۷. تعیین زمان چهار ماهگی برای ولوچ روح در برخی از روایات در منابع شیعه، امری تعبدی نیست؛ بلکه اخبار از زمان عادی و طبیعی آن است. از این رو آنچه سبب علم به پدیده ولوچ روح می‌شود، آثار و قرائی طبیعی است که به تنها یی یا به ضمیمه قرائی دیگر، موجب چنین علم یا اطمینانی می‌شوند و پایان چهار ماهگی هم اجمالاً می‌تواند یکی از آن قرائی باشد.

فهرست منابع

*. قرآن کریم

۱. ابن ادریس حلی، ابو جعفر؛ **السوائر الحاوی لتحریر الفتاوی**؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی؛ **من لا يحضره الفقيه**؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۳ق.
۳. ابن براج طرابلسی، القاضی عبدالعزیز؛ **المهدب**؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۶ق.
۴. احمدی، امیرعلی؛ **بررسی جنبه‌های اجتماعی تحقیقات شبیه‌سازی و سلول‌های بنیادی**؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۶ش.
۵. اردبیلی، احمد بن محمد؛ **مجمع الغائده والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان**؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ق.
۶. اسکندرلو، محمد جواد و علی زیدی، سید بهادر؛ «بررسی اعجاز علمی قرآن در مراحل خلقت و تکوین جنین انسان»؛ دوفصلنامه قرآن و علم، شماره ۱۸، ۱۳۹۵، ش.
۷. اشعری قمی، احمد بن محمد بن عیسی؛ **كتاب النوادر**؛ قم: مدرسه امام مهدی (عج)، ۱۴۰۸ق.
۸. اصفهانی، محمد حسین؛ **حاشیه كتاب المکاسب**؛ تصحیح: عباس محمد السباع قطیفی، قم: ذوی القربی، ۱۴۱۹ق.
۹. امامی، مسعود؛ « **ولوچ روح در جنین**»؛ فصلنامه فقه، کاوشنی نو در فقه اسلامی، شماره ۴۹، ۱۳۸۵ش.
۱۰. آخوند خراسانی، محمد کاظم؛ **کفایه الاصول**؛ مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ق.
۱۱. آل رسول، سوسن و مریم طاهری زاده؛ «بررسی تطبیقی آیات مربوط به علقه با علم جنین‌شناسی»، مجله مطالعات قرآنی، شماره ۴، ۱۳۸۹ش.

۱۲. بحرانی، یوسف بن احمد؛ **الحدائق الناضره فی احکام العترة الطاھرہ**؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۵-۱۴۰۹ق.
۱۳. بحرانی، یوسف بن احمد؛ **الدرر النجفیة من الملتقىات الیوسفیة**؛ بیروت: دار المصطفی لایحاء التراث، ۱۴۲۳ق.
۱۴. پریور، کاظم؛ **جنین‌شناسی**؛ تهران: نشر مبتکران، ۱۳۷۸ش.
۱۵. تبریزی، جواد بن علی؛ **صراط النجاه**؛ قم: دار الصدیقه الشهیده، ۱۴۲۷ق.
۱۶. تفتازانی؛ **شرح المقاصد**؛ پاکستان: دار المعارف النعمانیه، ۱۴۰۱ق.
۱۷. تقوی، نازیلا؛ اسدی نژاد، محمد و عمانی سامانی، رضا؛ «بررسی ماهیت جنین‌های منجمد از نظر فقهی، اخلاقی و حقوقی»؛ فصلنامه فقه پزشکی، سال هشتم، شماره ۲۷-۲۶، ۱۳۹۵، ۲۷-۲۶ش.
۱۸. جعفری، محمد تقی؛ **تحقيق در دو نظام حقوق جهانی بشرط دیدگاه اسلام و غرب و تطبیق آن دو بریکدیگر**؛ تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰ش.
۱۹. جمع من المحققین فی اللجنة الفقهية؛ **موسوعة احکام الاطفال و ادلتها**؛ تأليف نظمها: الشیخ قدره الله الانصاری؛ قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۴۲۹ق.
۲۰. جواهیری، حسن؛ «**تقسیم جنینی و شبیه‌سازی**»؛ مجله کاوشنی نو در فقه اسلامی، شماره ۸۶، ۱۳۸۵ش.
۲۱. جهانیان، منیره و محمود فرهودی؛ «شناختی از «ثُم انشاناه خلقاً آخر» و ارتباط آن با مراحل رشد جنین از نظر پزشکی»؛ مجله اخلاق پزشکی، شماره ۹، ۱۶۳-۱۷۰، ۱۳۸۸ش.
۲۲. حر عاملی، محمد بن حسن؛ **تفصیل وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشیعة**؛ قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام لایحاء التراث، ۱۴۱۴ق.
۲۳. حسن زاده آملی، حسن؛ **اخلاق پزشکی و تشریح از نظر علمای اسلامی**؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات اخلاق پزشکی، ۱۳۷۳ش.
۲۴. حسینی روحانی، سید صادق؛ **المسائل المستحدثة**؛ قم: دارالکتاب، ۱۴۱۴ق.
۲۵. حسینی، ابوالقاسم؛ «بررسی ابعاد حیات در طول زندگی جنینی و نقش آنها در دیده»؛ فصلنامه الهیات و حقوق، شماره ۲۷، ۱۳۸۷ش.

٢٦. حکیم طباطبایی، سید محمد سعید؛ **منهاج الصالحین**؛ بیروت: دار الصفوہ، ۱۴۱۵ق.
٢٧. حلبی، ابوالصلاح، تقی الدین بن نجم الدین؛ **الکافی فی الفقه**؛ اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علیہ السلام، ۱۴۰۳ق.
٢٨. الحلی الہذلی، یحیی بن سعید؛ **الجامع للشرايع**؛ قم: منشورات موسسه سید الشهداء علیہ السلام، ۱۴۰۵ق.
٢٩. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر؛ **متهی المطلب فی تحقیق المطلب**؛ مشهد: مجتمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۲۴-۱۴۱۲ق.
٣٠. خوارزمی، تاج الدین حسین بن حسن؛ **شرح فصوص الحكم**؛ تهران: انتشارات مولی، ۱۳۶۸ش.
٣١. خویی، سید ابوالقاسم موسوی؛ **موسوعه الامام الخویی**؛ قم: موسسه احیاء آثار الامام خویی، ۱۴۲۲ق.
٣٢. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ **مفردات لغات القرآن**؛ سوریه: دار العلم - الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق.
٣٣. سالدر، تی؛ **جنین‌شناسی پزشکی لانگمن**؛ ترجمه: ماندانا اعرابی و فرید رئیس‌زاده؛ تهران: مؤسسه انتشاراتی تیمورزاده، ۱۳۶۷ش.
٣٤. شهریاری، حمید؛ «اهدای گامت از منظر اخلاق اسلامی»؛ فصلنامه پاییش، دوره چهارم، شماره ۶، ص ۳۹۵-۳۸۵، ۱۳۸۶ش.
٣٥. الشهید الاول، محمد بن جمال الدین مکی العاملی؛ **ذکری الشیعه فی احکام الشیعه**؛ قم: موسسه آل البيت علیہ السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۹ق.
٣٦. شیخ انصاری، مرتضی؛ **کتاب الطهاره (تراث الشیخ الاعظم)**؛ قم: المؤتمر العالمی بمناسبة الذکری المئویه الثانية لمیلاد الشیخ الانصاری، ۱۴۱۸-۱۴۱۵ق.
٣٧. شیخ بهایی، بهاء الدین؛ **الحبل المتین فی احکام احکام الدین (رسائل الشیخ بهاء الدین)**؛ قم: مکتبه بصیرتی، ۱۳۹۰ق.
٣٨. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان بن عکبری بغدادی؛ **المقنعه**؛ قم: دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ق.

٣٩. شیرازی، صدرالدین محمد؛ **الحكمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه**؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱م.
٤٠. طباطبایی قمی، سید تقی؛ **الدلائل فی شرح منتخب المسائل**؛ قم: کتابفروشی محلاتی، ۱۴۲۳ق.
٤١. طباطبایی، سید محمدحسین؛ **المیزان فی تفسیر القرآن**؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
٤٢. طوسی، محمد بن حسن؛ **تهذیب الاحکام**؛ تهران: مکتبة الصدق، ۱۴۰۷-۱۴۱۸ق.
٤٣. طوسی، محمد بن حسن؛ **الإستبصار فيما اختلف من الأخبار**؛ تهران: مکتبة الصدق، ۱۳۹۰ق.
٤٤. فاضل لنکرانی، محمد؛ **احکام پزشکان و بیماران**؛ نرم افزار جامع فقه، بی تا.
٤٥. فاضل هندی، بهاءالدین محمد بن حسن اصفهانی؛ **کشف اللثام عن قواعد الاحکام**؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶-۱۴۲۴ق.
٤٦. قطیفی آل طوق، احمد بن صالح؛ **رسائل آل طوق القطیفی**، بیروت: دار المصطفی لاحیاء التراث، بیروت، ۱۴۲۲ق.
٤٧. کامکار، زهره؛ شهناز رضوی و امین ناجی، محمد هادی؛ «مقایسه مراحل تکامل جنین انسان از دیدگاه قرآن و حدیث و علم جنین شناسی»؛ مجله پژوهش‌های علم و دین، شماره ۲، ص ۱۳۸۹-۱۵۹، ۱۳۸۹ش.
٤٨. کلینی، محمد بن یعقوب؛ **الكافی**؛ تحقیق: علی اکبر غفاری؛ قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
٤٩. گودرزی، فرامرز؛ **پزشکی قانونی**؛ تهران: اینیشتین، ۱۳۷۷ش.
٥٠. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام، بیروت: موسسه الطبع و النشر- دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۰-۱۴۰۳ق.
٥١. مجلسی، محمد باقر؛ **مرآہ العقول فی شرح اخبار آل الرسول**؛ تحقیق: سید هاشم رسولی؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۱-۱۴۰۴ق.
٥٢. مجلسی، محمد تقی؛ **روضة المتقین فی شرح من لا يحضره الفقيه**؛ قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، ۱۴۰۶ق.

٥٣. محسنی قندھاری، محمدآصف؛ الفقه و مسائل طبیة؛ قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۲۴ق.
٥٤. محقق کرکی، علی بن الحسین؛ جامع المقاصد فی شرح القواعد؛ قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ق.
٥٥. مصباح یزدی، محمدتقی؛ معارف قرآن؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۱ش.
٥٦. مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۰۲ق.
٥٧. مکارم شیرازی، ناصر؛ احکام پزشکی؛ تهییه و تنظیم: ابوالقاسم علیان نژادی؛ قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیهم السلام، ۱۴۲۹ق.
٥٨. منتظری، حسینعلی؛ احکام پزشکی؛ قم: نشر سایه، ۱۴۲۷ق.
٥٩. المنسوب للامام الرضا علیهم السلام؛ فقه الرضا؛ مشهد: المؤتمر العالمي للامام الرضا علیهم السلام، ۱۴۰۶ق.
٦٠. موسوی العاملی، السید محمد؛ مدارک الاحکام فی شرح شرائع الاسلام؛ قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۵ق.
٦١. موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی؛ مهذب الاحکام فی بیان الحلال والحرام؛ بیروت: مؤسسه المنار، ۱۴۱۳-۱۴۱۷ق.
٦٢. نجفی، شیخ محمدحسن؛ جواهر الكلام فی شرح شرائع الاسلام؛ تحقیق: عباس قوچانی و علی آخوندی؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
٦٣. نراقی، احمد؛ مستند الشیعه الى احکام الشیعه؛ قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۹-۱۴۱۵ق.
٦٤. نوراحمدی، انسیه؛ تولایی، علی و مهدوی کنی، صدیقه؛ جنین آزمایشگاهی بدون صاحب از منظر فقه امامیه؛ تهران: دانشگاه امام صادق علیهم السلام، ۱۳۹۹ش.
٦٥. نورمحمدی، غلامرضا؛ «مراحل رشد جنین از منظر قرآن»؛ مجله پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، شماره ۲، ص ۵-۱۶، ۱۳۸۸ش.

٦٦. وحید خراسانی، حسین؛ **منهاج الصالحين** (السيد ابوالقاسم الموسوی الخویی مع فتاوى الشیخ حسین الوحید الخراسانی)؛ قم: مدرسه امام باقر علیه السلام، ۱۴۲۸ق.

٦٧. همدانی، آقارضا؛ **مصابح الفقیه**؛ قم: موسسه جعفریه لاحیاء التراث و دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۴-۱۴۱۶ق.